

دکتر باقر پور کاشانی



آیا در پذیرش اسلام، اجبار  
و اکراه است؟!

هوالحکیم

## آیا در پذیرش اسلام، اجبار و اکراه است؟!

آیا در شریعت اسلام، در آیات قرآن، در فرمایشات نبوی، نمونه‌ای داریم که هر کسی مسلمان نشود، شمشیر را کنار گردنش بگذارند بگویند باید مسلمان بشوی یا خیر؟ یا برعکسش؟! در سوره مبارکه بقره آیه ۲۵۶؛ دقت بفرمایید از این آیه هم خیلی باز سوءاستفاده کردند!

منظور این آیه چیست؟

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾؛ «اکراهی در قبول دین نیست، زیرا راه راست از راه انحرافی روشن است».

یعنی نیاز نیست که مردم را مجبور کنی! اگر با همین عقلی که دارد بررسی کند، سره را از ناسره می‌تواند تشخیص بدهد! حق را از باطل می‌تواند تشخیص بدهد و می‌تواند به سمت هدایت کشیده شود.

این ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ می‌گوید اجباری در دین نیست، ما هم بچه مسلمانیم می‌خواهیم اصلاً مسیحی بشویم! می‌خواهیم بی‌دین بشویم! آیه قرآن هست! اما آیات متشابه گاهی اوقات باید ارجاع به آیات محکم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام داده شود، و این را توضیح دادند.

بینید این آیه برای چه افرادی هست؟ این آیه برای افرادی هست که مسلمان نشدند! زیرا اگر بنا باشد مسلمان شود، آگه بخواهد خروج از اسلام پیدا بکند، این مرتد هست! مرتد دو جور داریم: یک مرتد فطری داریم، یک مرتد ملی داریم.

مرتد فطری:

اینکه پدر و مادرش مسلمان بودند این هم مسلمان زاده هست، حالا فرض کنید هجده بیست سالش رسیده یک سنی رسیده، می خواهد از اسلام خارج شود.

مرتد ملی:

اینکه خودش غیر مسلمان بوده این آمده مسلمان شده، حالا می خواهد از اسلام خارج شود. پس از هر دوتا استفاده می شود؛ وقتی ورود به اسلام شد، دیگر نمی تواند خروج پیدا کند! حکم ارتداد برایش مطرح می شود.

حالا فعلاً وارد ارتداد نمی خواهیم بشویم. شبهات خودش را دارد بحث های خودش را دارد، بماند جای خودش توضیح می دهم.

اما آن چیزی که مهم است، روایات و توضیحاتی که در ذیل این آیه هست و در روایات دیگری مستقل بیان شده، این است که اگر چنانچه فردی مسلمان نشده، با شمشیر و با زور و با تهدید، تو حق نداری این را مسلمان کنی! یعنی فرض کنید به مسیحی می گوید یا باید تو مسلمان شوی یا تو را می کشیم! ما چنین چیزی را حتی یک نمونه در اسلام نداریم!

و این آیه: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾، «اجباری در دین نیست»، یعنی یک نفری که مسیحی است، یهودی است، زرتشتی است، مجوس است، ما به این بگوییم باید مسلمان شوی وگرنه تو را می کشیم!

این آیه صراحتاً می گوید نه! شما این حق را نمی توانید داشته باشید! شواهدی داریم! مثلاً یکی اینکه ما در فقه خودمان چه شیعه چه سنی، می گوید ما احکامی داریم، احکام جزیه، احکام خراج؛ ما یک مالیات اسلامی داریم برای مسلمانها هست، یک مالیاتی داریم برای کسانی که غیر مسلمان هستند.

کسانی که مسلمانند، باید خمس و زکات بدهند که خودش احکام خاص خودش را دارد؛ خمس به چه چیزهایی تعلق می گیرد، زکات به چه چیزهایی تعلق می گیرد؛ این فقط برای مسلمانان هست. غیر مسلمان، خمس و زکات به گردش نیست و نمی توانیم او را مجبور کنیم خمس و زکات بدهد! می ماند غیر مسلمان؛ غیر مسلمانی که در کشور اسلامی زندگی می کند؛ او باید جزیه بدهد! جزیه چیست؟ این طوری آوردند:

«مالیات غیر مسلمانان اهل کتاب ساکن در سرزمینهای اسلامی به دولت اسلامی برای تأمین جان، حفظ دین خود و کسب حمایت دولت اسلامی هست».

یعنی اگر چنانچه ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ بخواهد مطرح بشود که در مورد غیر مسلمانان هست و اینکه نبی اکرم فرمودند که دعوت و هدایت به سیف هست،

اگر بنا بود این طوری مسلمان عمل بکنند، دیگر معنا ندارد که احکامی باشد در جامعه اسلامی، افرادی باشند و جزیه بدهند! یعنی در کشور اسلامی اینها باید تکلیفشان مشخص بکند، حاکم اسلامی، نبی اکرم ﷺ باید تکلیف اینها را مشخص می‌کرد، امیرالمؤمنین علیه السلام باید تکلیفشان را مشخص می‌کرد. اینها را جمع می‌کرد شمشیر کنار گردنشان می‌گذاشت، می‌گفت تو مسلمان می‌شوی یا نمی‌شوی؟ می‌گفت نمی‌شوم! گردنش را می‌زد! مجبورش می‌کرد! در صورتی که یک نمونه ما نداریم!

پس این روایت که می‌گوید حضرت، دعوت و هدایت به سیف کردند، که به زور بگذاری کنار گردنش بگویی باید این کار را انجام بدهی نمی‌شود! نه! این به این معنا نیست!

به خاطر اینکه افرادی بودند و تا آخر عمرشان هم مسیحی ماندند، مجوسی و مگوسی ماندند، در کشور اسلامی هم زندگی کردند، یهودی ماندند، کسی هم معترض اینها نشده و جزیه خودشان را دادند، کما اینکه مسلمین خمس و زکات خودشان را می‌دادند و محفوظ بودند.

حتی مثلاً در آن خطبه‌ای هست که وقتی که جمعی می‌آید و خلخال از پای یک خانم یهودی اهل کتاب می‌کنند و به جمعی حمله می‌کنند، آنجا امیرالمؤمنین علیه السلام آن خطبه‌ای که در نهج البلاغه هست، رو منبر می‌گوید که چرا سکوت کردید،

بی تفاوت بودید! می‌گوید ای کسانی که مرد هستید که اسم مرد را نمی‌شود برای شما گذاشت!

یک جمعی از سپاهیان معاویه حمله کردند، یک خلخال هم از پای یک خانم یهودی کشیدند و بردند! امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گوید این در حمایت اسلام هست و شما کوتاهی کردید! این خانمی که در حمایت اسلام هست ولو اینکه یهودی هست، نباید این تعرض را بکنند که بخواهند خلخال از پایش بکشند!

پس این به این معنا نیست که گاهی اوقات می‌گویند که اسلام دین شمشیر هست این‌ها را به زور پیامبر اکرم به این صورت گفت که اگر مسلمان نشوید گردن همه‌تان را می‌زنم! خیر! اصلاً چنین چیزی نبوده! و این ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ همین را می‌گوید! یعنی شما دینی که دارید غیر مسلمانید، به زور نمی‌توانیم شما را مسلمان کنیم. به خاطر چه؟ به خاطر اینکه تو اگر عاقل باشی، تو که غیر مسلمانی اگر بررسی کنی تحقیق کنی تفحص کنی، حق از باطل کاملاً یک چیز قاطی نیست بلکه روشن است! می‌توانی به خوبی بفهمی!

در روایتی در جلد ۸۹ بحارالانوار صفحه ۲۶۳ از آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام آمده است:

«قَوْلُهُ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ بَعْدَ أَنْ تَبَيَّنَ لَهُ قَدْ تَبَيَّنَ الرَّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ «این سخن خداوند بدان معنی است که خداوند، احدی را در انتخاب دینش مجبور نمی‌کند

بعد از آنکه راه و بیراهه را برایش مشخص کرده باشد و این در حالی است که خداوند، راه و بیراهه را مشخص کرده است».

پس این آیه در مورد کیست؟ این آیه در مورد کسی هست که غیر مسلمان هست و به زور نمی توانی او را مسلمان کنی!

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ